

کریستوفر ہیبرٹ

موسولینی

ظہور و سقوط دوچہ

ترجمہ بیٹن اشتری



فهرست

۷	مقدمه مترجم.....
۹	مقدمه تویاس جونز.....
۱۳	مقدمه نویسنده.....

قسمت اول: جنگ برای قدرت

۱۵
۱۷	۱. شورشی جوان: از ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۳ تا دسامبر ۱۹۱۲.....
۴۱	۲. مداخله طلب: از اکتبر ۱۹۱۳ تا ۲۴ مه ۱۹۱۵.....
۴۹	۳. شکل گیری فاشیسم: ۲۸ اوت ۱۹۱۵ تا ۲۸ اکتبر ۱۹۲۲.....
۶۵	۴. رئیس دولت: از ۲۸ اکتبر ۱۹۲۲ تا ۱۳ ژوئن ۱۹۲۴.....
۸۳	۵. دیکتاتور: از ۱۳ ژوئیه ۱۹۲۴ تا ژوئن ۱۹۴۰.....

قسمت دوم: امپراتوری و متحدین

۱۰۹
۱۱۱	۱. دیپلمات: از ۲۸ اکتبر ۱۹۲۲ تا ۱۰ ژوئن ۱۹۴۰.....
۱۸۹	۲. فرمانده کل قوا: از ۱۰ ژوئن ۱۹۴۰ تا ۲۳ اکتبر ۱۹۴۲.....

قسمت سوم: سقوط غول

۲۱۱
۲۱۳	۱. جنگ بدجوری پیش می‌رود: از ۲۳ اکتبر ۱۹۴۲ تا ۲۳ ژانویه ۱۹۴۳.....
۲۳۱	۲. توطئه گران: از نوامبر ۱۹۴۲ تا ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۳.....
۲۴۷	۳. اجلاس شورای عالی: از ۲۴ تا ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۳.....
۲۷۱	۴. دستگیری در ویلای ساوویا: ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۳.....

شورشی جوان

از ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۳ تا دسامبر ۱۹۱۲

صرف این واقعیت که من در میان مردم عادی متولد شدم
برگ‌های برنده را در دستانم می‌گذارد.

حدود ساعت ده‌ونیم شب ۹ مه ۱۹۳۶ غرشی ناگهانی، که یک روزنامه‌نگار آن را شبیه صدای فوران کوه آتشفشانی توصیف کرد، از جمعیتی حدود چهارصد هزار نفر که شانه به شانه هم در اطراف «کاخ ونیز»^۱ در رم^۲ ایستاده بودند به هوا برخاست. بنیتو موسولینی^۳، معروف به دوچه^۴، به سرعت به روی بالکن کاخ آمد و از آن بالا خموشانه به آن‌ها خیره شد. دست‌هایش را روی کفل‌هایش گذاشت، فک بسیار بزرگش را جلو داد، و پاهایش را از هم باز کرد. این ژست و حالتی بود که همه آن چهارصد هزار نفر کاملاً با آن آشنا بودند. او پیراهن سیاه، یونیفرم خاکستری، و کلاه مشکی گرد مخصوص «میلیشیای فاشیست»^۵ را پوشیده بود. چند لحظه‌ای جلو پنجره‌های

1. Palazzo Venezia

2. Rome

3. Benito Mussolini

۴. Duce؛ دوچه به زبان ایتالیایی یعنی «رهبر». این لقب را فاشیست‌ها به موسولینی داده بودند. - م.
۵. میلیشیای فاشیست در ابتدا شاخه شبه‌نظامی «حزب ناسیونال فاشیست» بود، اما از ۱۹۲۳ به بعد که موسولینی به قدرت رسید این نهاد به میلیشیای داوطلبانه پادشاهی ایتالیا تغییر نام داد. به اعضای این نهاد، «پیراهن سیاه‌ها» نیز می‌گفتند. در اوج قدرت موسولینی این نهاد چهار میلیون عضو داشت و اعضایش به اعمال خشونت در حق مخالفان معروف بودند. - م.

مشبکی که نور پروژکتورها بر آنها افتاده بود ایستاد؛ ساکن و بی حرکت همچون نماد رژیمش - تیر و دسته‌چوب‌های لیکتور^۱ - که بر دیوار سنگی پشت سرش حجاری شده بود. دستش را بالا برد. جمعیت ساکت شد. نه فقط در رم بلکه در سرتاسر ایتالیا میلیون‌ها نفر به صدای دوچه گوش می‌دادند و منتظر شنیدن صدایش بودند. در آن شب بهاری گرم، در زیر نور ماه که به طرز نامعمولی می‌درخشید و از همین رو فضای معنوی عجیبی پدید آورده بود، توده جمعیت هیجان‌زده، که با صدای ناقوس کلیساها و آژیرها به بیرون خانه‌هایشان فراخوانده شده بودند، به بلندگوهای کار گذاشته شده در میدان‌ها چشم دوخته بودند.

سرانجام موسولینی با صدای گرم و پرطنین خود، که لیدی آکسفورد^۲ آن را یکی از زیباترین صداهایی وصف کرده که در طول عمرش شنیده بوده است، گفت: «پیراهن سیاه‌های انقلاب، مردان و زنان ایتالیایی در داخل و خارج کشور، گوش فرادهید: حادثه عظیمی به وقوع پیوسته است. سرنوشت حبشه^۳ امروز در چهاردهمین سال دوره فاشیستی^۴ رقم خورده است. هرگره‌ای با شمشیر براق ما قطع شده، و پیروزی حبشه‌ای ما در تاریخ کشورمان باقی خواهد ماند؛ یک پیروزی کامل و پاک، به پاکی لژیونرهایی که به خاک افتادند. ایتالیا حالا امپراتوری خودش را دارد...»

کلمات پایانی دوچه در هیاهوی بی‌امان تشویق‌ها، در غریوهای شعار تکراری و هر دم اوج‌گیرنده «دوچه! دوچه! دوچه!»، و در جیغ‌های هیستریک زنان، در فریادهای ستایش و اعلام وفاداری تادم مرگ، محو شد. و دوچه خموشانه پایین را نگاه می‌کرد، بی‌هیچ اعتنایی به تشویق‌ها، با دستان محکم چسبیده به دیواره سنگی بالکن، با صورت بزرگ بی‌حالتش در زیر نور درخشان نورافکن‌ها.

۱. Lictor؛ لیکتورها افسران روم باستان بودند که برای حفظ جان اربابان خویش پیشاپیش آنها حرکت می‌کردند. هر لیکتور تبری در دست می‌گرفت. این تبر تشکیل شده بود از تیغه تبر و میله‌های چوبی که با طناب به یکدیگر و به تیغه تبر وصل بودند. - م.

2. Lady Oxford

۳. حبشه نام تاریخی منطقه‌ای در شمال آفریقا است که در حال حاضر شامل اتیوپی و بخشی از ارتیره می‌شود. ایتالیا از دیرباز قصد داشت که در رقابت با قدرت‌های استعماری بریتانیا و فرانسه و... برای خودش مستعمراتی در آفریقا داشته باشد و به همین دلیل به تصرف مناطقی در این قاره (از جمله لیبی و حبشه و...) اقدام کرد. موسولینی علاقه بسیار زیادی به تأسیس امپراتوری استعماری ایتالیا داشت. - م.

۴. موسولینی به قدرت رسیدن رژیم فاشیستی‌اش را آغاز دوره جدیدی برای ایتالیا و جهان می‌دانست و بر همین اساس تاریخ تازه‌ای ابداع کرد. - م.